

ارزیابی نقش بودجه ریزی مشارکتی در بهبود عدالت و اثربخشی تخصیص منابع شهری؛ مطالعه موردی طرح «من شهردارم» در شهرداری تهران

افسانه سالم حساری

دانشجوی دکتری حسابداری

hesariafsaneh@gmail.com

چکیده

بودجه ریزی شهری یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت منابع عمومی و تحقق اهداف توسعه شهری است و نحوه تخصیص منابع مالی می تواند آثار مستقیمی بر کیفیت خدمات، عدالت فضایی، رضایت شهروندان و کارآمدی مدیریت شهری داشته باشد. در سال های اخیر، بودجه ریزی مشارکتی به عنوان یکی از رویکردهای نوین مدیریت مالی عمومی، با هدف وارد کردن دیدگاه «و اولویت های شهروندان به فرآیند تصمیم گیری مالی مورد توجه قرار گرفته است. در شهرداری تهران، طرح «من شهردارم نمونه ای از تلاش برای گسترش مشارکت شهروندان در شناسایی نیازهای شهری، پیشنهاد و اولویت بندی پروژه ها، رأی گیری و نظارت بر اجرای پروژه های منتخب است. هدف این مقاله، تبیین و تحلیل نقش بودجه ریزی مشارکتی در بهبود عدالت و اثربخشی تخصیص منابع شهری با تأکید بر طرح «من شهردارم» است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از تحلیل محتوای منابع موجود و ادبیات علمی بودجه ریزی مشارکتی، ابعاد اصلی موضوع را بررسی می کند. تحلیل انجام شده نشان می دهد که مشارکت شهروندان زمانی می تواند به بهبود تخصیص منابع کمک کند که از سطح اطلاع رسانی و دریافت پیشنهاد فراتر رفته و در مراحل شناسایی نیاز، اولویت بندی، تصمیم گیری، اجرا، نظارت و ارزیابی استمرار داشته باشد. همچنین شفافیت اطلاعات، پاسخگویی مدیریت شهری، دسترسی برابر به فرآیند مشارکت و «وجود نظام پایش و ارزیابی از الزامات مهم اثربخشی این رویکرد هستند بر اساس چارچوب تحلیلی مقاله، طرح «من شهردارم حلقه ای میان اطلاعات محلی شهروندان، فرآیند اولویت بندی پروژه ها و تخصیص منابع شهری ایجاد می کند؛ با این حال، تحقق اهداف آن مستلزم توجه همزمان به عدالت در مشارکت، عدالت در تخصیص منابع، کیفیت اطلاعات، محدودیت های مالی ظرفیت اجرایی مناطق و سازوکارهای شفاف نظارت و ارزیابی است. در پایان، چارچوبی برای ارتقای بودجه ریزی مشارکتی در شهرداری تهران ارائه می شود.

واژگان کلیدی: بودجه ریزی مشارکتی، من شهردارم، تخصیص منابع، عدالت فضایی، شفافیت مالی، پاسخگویی، حکمرانی شهری

مقدمه

مدیریت منابع مالی در شهرداری ها صرفاً به تأمین درآمد و تنظیم بودجه محدود نمی شود، بلکه نحوه تخصیص منابع و تبدیل منابع مالی به خدمات و پروژه های شهری، بخش مهمی از فرآیند مدیریت شهری را تشکیل می دهد. در شرایطی که منابع مالی محدود و نیاز های شهری گسترده و متنوع هستند، تصمیم گیری درباره اینکه چه پروژه هایی، در چه مناطقی و با چه اولییتی اجرا شوند، اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

در چنین شرایطی، بودجه ریزی مشارکتی به عنوان رویکردی برای وارد کردن شهروندان به فرآیند تصمیم گیری درباره بخشی از منابع عمومی مطرح شده است. در ادبیات علمی، بودجه ریزی مشارکتی عموماً فرآیندی تعریف می شود که در آن شهروندان در تصمیم گیری درباره تخصیص بخشی از منابع عمومی نقش دارند. مرور نظام مند ادبیات نیز نشان می دهد که این مفهوم در حوزه های مختلف مدیریت عمومی، با موضوعاتی مانند شفافیت، پاسخگویی، عملکرد و حکمرانی مشارکتی پیوند (و همکاران، 2023 Bartocci) خورده است.

در ادبیات مدیریت مالی عمومی و شهری نیز تخصیص منابع به عنوان حلقه اتصال میان درآمدهای شهرداری و نتایج توسعه شهری مورد توجه قرار گرفته و مشارکت شهروندان در تعیین اولویت های هزینه کرد به عنوان یکی از رویکردهای مورد توجه در مدیریت منابع معرفی شده است.

یکی از مهم ترین نمونه های این رویکرد در تهران، طرح «من شهر دارم» است. این طرح فرآیندی چند مرحله ای دارد که از شناسایی نیاز ها و مسائل محلی آغاز می شود و پس از ثبت پیشنهاد های شهروندان، بررسی کارشناسی، اولویت بندی و رأی گیری به تخصیص منابع، اجرای پروژه ها و در نهایت نظارت و ارزیابی می رسد.

اهمیت این فرآیند از آن جهت است که تصمیم گیری درباره پروژه های شهری را از یک فرآیند صرفاً درون سازمانی به فرآیندی نزدیک تر به نیاز های محلی تبدیل می کند. در این رویکرد، شهروندان صرفاً دریافت کننده خدمات نیستند، بلکه بخشی از اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم گیری درباره اولویت های هزینه ای را در اختیار مدیریت شهری قرار می دهند.

با این حال، مشارکت به تنهایی تضمین کننده عدالت یا کارایی نیست. مطالعات تطبیقی نشان داده اند که پیامدهای بودجه ریزی مشارکتی به نحوه طراحی فرآیند، میزان دسترسی گروه های مختلف به مشارکت و سازوکار های نهادی آن وابسته است. برای مثال، پژوهش های انجام شده درباره شهر های مختلف نشان داده اند که طراحی فراگیر فرآیند می تواند با توزیع منابع به سمت مناطق کم برخوردار ارتباط داشته باشد، در حالی که مشارکت نامتوازن ممکن است برخی گروه ها را در فرآیند تصمیم گیری (Afshan, 2025؛ Taylor و Hsueh, 2022؛ No) پررنگ تر کند.

از این رو، مسئله اصلی مقاله حاضر این است که بودجه ریزی مشارکتی چگونه و تحت چه شرایطی می تواند به بهبود عدالت و اثربخشی تخصیص منابع شهری کمک کند و طرح «من شهر دارم» در این چارچوب چه جایگاهی دارد؟

بیان مسئله

شهرداری تهران با مجموعه ای گسترده از نیاز های زیرساختی، خدماتی، اجتماعی و محیط زیستی مواجه است. در مقابل منابع مالی در دسترس محدود بوده و تخصیص منابع با محدودیت های درآمدی، تعهدات سنواتی، تفاوت شرایط مناطق و ظرفیت متفاوت اجرایی روبه رو است.

در چنین شرایطی، تخصیص منابع نمی تواند صرفاً بر اساس یک شاخص انجام شود. چارچوب تخصیص منابع در کتاب بر ضرورت توجه همزمان به معیارهایی مانند جمعیت، مساحت، محرومیت، کمبود سرانه های خدماتی، میزان تردد، پروژه های نیمه تمام و ظرفیت اجرایی تأکید دارد. بنابراین تخصیص منابع یک مسئله چندمعیاره است که نیازمند ترکیب اطلاعات اقتصادی، فضایی و مدیریتی است.

یکی از محدودیت های تصمیم گیری متمرکز این است که بخشی از اطلاعات درباره نیاز های خرد و محلی در سطح شهروندان و محلات قرار دارد. شهروندان به طور مستقیم با مسائل روزمره محله مواجه هستند و می توانند اطلاعاتی ارائه کنند که ممکن است در داده های رسمی به صورت کامل منعکس نشده باشد.

بودجه ریزی مشارکتی می تواند سازوکاری برای وارد کردن این اطلاعات به فرآیند تصمیم گیری باشد. اما در صورتی که مشارکت تنها به جمع آوری پیشنهادها محدود شود و نتایج مشارکت در تصمیم نهایی، تخصیص بودجه و ارزیابی پروژه ها منعکس نشود، ظرفیت واقعی آن برای اصلاح فرآیند تخصیص منابع کاهش خواهد یافت. در طرح «من شهردارم»، شهروندان در مراحل مختلف فرآیند مشارکت حضور دارند: شناسایی نیازها و مسائل محلی، ثبت و جمع آوری پیشنهادها، بررسی کارشناسی، اولویت بندی و رأی گیری عمومی، تخصیص منابع، اجرای پروژه های منتخب و نظارت، ارزیابی و بازخورد. از این منظر، طرح «من شهردارم» را می توان یک فرآیند زنجیره ای دانست که در آن «نیاز محلی» - «پیشنهاد شهروندان ارزیابی کارشناسی» - «اولویت بندی» - «رأی گیری» - «تخصیص منابع» - «اجرا» - «نظارت و ارزیابی» - «به یکدیگر متصل» می شوند. این زنجیره در صورتی می تواند به بهبود تخصیص منابع منجر شود که بین مراحل مختلف آن ارتباط واقعی برقرار باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت بررسی بودجه ریزی مشارکتی را می توان در سه سطح مالی، اجتماعی و حکمرانی بررسی کرد.

اهمیت مالی

منابع شهرداری محدود است و تصمیمات مربوط به تخصیص منابع آثار مستقیم بر خدمات و پروژه های شهری دارد. مشارکت شهروندان می تواند اطلاعات بیشتری درباره اولویت های محلی در اختیار تصمیم گیران قرار دهد. شواهد تجربی در برخی کشورها نیز نشان داده اند که بودجه ریزی مشارکتی می تواند با تغییر در ترکیب برخی مخارج دولت محلی همراه شود؛ با این حال، چنین نتایجی به زمینه نهادی و محلی وابسته است.

اهمیت اجتماعی

بودجه عمومی متعلق به جامعه است و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری درباره بخشی از این منابع می تواند رابطه میان مدیریت شهری و جامعه را تقویت کند. در ادبیات بودجه ریزی مشارکتی، افزایش مشارکت، شفافیت، پاسخگویی و بهبود تخصیص منابع از جمله ظرفیت های این رویکرد شناخته می شوند.

اهمیت حکمرانی

بودجه ریزی مشارکتی صرفاً ابزار مالی نیست، بلکه با شفافیت، پاسخگویی و حکمرانی مشارکتی ارتباط دارد. مطالعات و همکاران (Waddington) نیز بر پیوند بودجه ریزی مشارکتی با مشارکت عمومی، شفافیت و پاسخگویی تأکید کرده اند (2019)

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم بودجه ریزی مشارکتی

بودجه ریزی مشارکتی فرآیندی است که در آن شهروندان در تصمیم گیری درباره تخصیص بخشی از منابع عمومی مشارکت می کنند. تفاوت آن با مشارکت عمومی صرف در این است که مشارکت باید با تصمیم واقعی درباره منابع و اولویت های هزینه ای ارتباط داشته باشد. مرور نظام مند ادبیات نشان داده است که بودجه ریزی مشارکتی طی چند دهه در و همکاران (Bartocci) رشته های مختلف مدیریت عمومی، حسابداری، سیاست گذاری و مطالعات شهری توسعه یافته است (2023)

مشارکت شهروندی

مشارکت در بودجه ریزی می تواند در سطوح مختلف رخ دهد؛ از ارائه اطلاعات و پیشنهاد تا مشارکت در اولویت بندی و رأی گیری و سپس نظارت بر اجرا. در طرح «من شهردارم» نیز نقش شهروندان صرفاً به ارائه پیشنهاد محدود نشده و مشارکت در اولویت بندی، رأی گیری و نقش نظارتی مورد توجه قرار گرفته است

شفافیت مالی

شفافیت به معنای دسترسی شهروندان به اطلاعات مربوط به فرآیند تصمیم گیری، پروژه ها، منابع و نحوه هزینه کرد است. اگر شهروندان پیشنهاد او چگونه بررسی شده، چرا یک پروژه انتخاب یا رد شده و منابع چگونه تخصیص یافته اند مشارکت او نمی تواند به یک فرآیند قابل ارزیابی تبدیل شود. شفافیت و پاسخگویی در ادبیات بودجه ریزی مشارکتی نیز از عناصر مهم حکمرانی تلقی می شوند

پاسخگویی

پاسخگویی به این معناست که مدیریت شهری درباره تصمیمات، عملکرد و نحوه استفاده از منابع عمومی توضیح ارائه کند. در چارچوب بودجه ریزی مشارکتی، پاسخگویی باید پس از رأی گیری نیز ادامه داشته باشد. شهروند باید بتواند درباره وضعیت پروژه منتخب، میزان پیشرفت، هزینه انجام شده و دلایل تغییرات احتمالی اطلاعات دریافت کند.

عدالت در تخصیص منابع

عدالت تخصیصی به این معنا نیست که همه مناطق الزاماً باید منابع مالی برابر دریافت کنند. در مدیریت شهری، تفاوت در جمعیت، محرومیت، کمبود زیرساخت، سرانه خدمات و نیازهای محلی می تواند ضرورت تفاوت در تخصیص را ایجاد کند. از این منظر، عدالت را می توان بر مبنای تناسب منابع با نیازها تحلیل کرد. مطالعات بین المللی نیز نشان داده اند که طراحی فراگیر فرآیند مشارکت می تواند با پیامدهای متفاوتی برای توزیع منابع همراه باشد. برای مثال، مطالعه موردی سنول نشان داده است که طراحی نهادی فراگیر با تخصیص منابع به سمت مناطق همچنین مرور تطبیقی جدیدتر، اهمیت طراحی فرآیند برای تحقق (Hsueh و No، 2022) کم برخورداری ارتباط داشته است (Taylor و Afshan، 2025) اهداف عدالت اجتماعی را برجسته می کند.

اثربخشی تخصیص منابع

اثربخشی تخصیص منابع به میزان تحقق اهداف مورد انتظار از هزینه کرد منابع مربوط می شود. در زمینه طرح «من شهر دارم»، اثربخشی را می توان از طریق انطباق پروژه با نیاز واقعی، کیفیت پروژه منتخب، میزان تحقق پروژه، میزان استفاده شهروندان از نتیجه پروژه، تناسب هزینه با خروجی و رضایت از نتیجه مورد بررسی قرار داد.

طرح «من شهر دارم» به عنوان سازوکار بودجه ریزی مشارکتی

طرح «من شهر دارم» با هدف افزایش مشارکت شهروندان، ارتقای شفافیت، بهبود تخصیص منابع و تقویت ارتباط میان شهروندان و مدیریت شهری طراحی شده است. این طرح از ظرفیت فناوری و مشارکت عمومی برای نزدیک تر کردن برنامه ریزی و بودجه ریزی شهری به نیازهای شهروندان استفاده می کند.

فرآیند طرح را می توان در هفت مرحله اصلی خلاصه کرد
مرحله اول: شناسایی نیازها؛ فرآیند با شناسایی مسائل و نیازهای محلی آغاز می شود
مرحله دوم: ثبت پیشنهادها؛ شهروندان پیشنهادهای خود را برای حل مسائل و اجرای پروژه های شهری ارائه می کنند
مرحله سوم: بررسی کارشناسی؛ پیشنهادها از نظر امکان پذیری، هزینه، صلاحیت اجرایی و سایر ملاحظات بررسی می شوند

مرحله چهارم: اولویت بندی و رأی گیری؛ پروژه های واجد شرایط در معرض اولویت بندی و رأی شهروندان قرار می گیرند
مرحله پنجم: تخصیص منابع؛ پروژه های منتخب در چارچوب منابع بودجه ای قرار می گیرند
مرحله ششم: اجرا؛ پروژه های منتخب توسط مدیریت شهری اجرا می شوند
مرحله هفتم: نظارت و ارزیابی؛ نتایج پروژه ها مورد ارزیابی قرار گرفته و اطلاعات آن به فرآیندهای بعدی منتقل می شود
چارچوب تحلیلی پیشنهادی

بر مبنای ادبیات و محتوای کتاب، می توان یک چارچوب پنج لایه برای تحلیل طرح «من شهردارم» ارائه کرد
لایه اول: مشارکت؛ دسترسی شهروندان، امکان ارائه پیشنهاد، امکان اولویت بندی، رأی گیری و مشارکت در نظارت
لایه دوم: کیفیت فرآیند؛ شفافیت، اطلاع رسانی، قابلیت پیگیری، بررسی کارشناسی و مشخص بودن معیارهای انتخاب
لایه سوم: خروجی تخصیص؛ انطباق پروژه با نیاز محلی، توجه به مناطق کمبرخوردار، تناسب پروژه و منابع و
جلوگیری از تمرکز منابع در مناطق خاص
لایه چهارم: پیامدهای مدیریتی؛ اثربخشی، پاسخگویی، شفافیت و بهبود تصمیم گیری
لایه پنجم: پیامدهای اجتماعی؛ اعتماد عمومی، رضایت از فرآیند، سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت مجدد
این چارچوب با محورهای ارزیابی مطرح شده در کتاب، از جمله میزان مشارکت، کیفیت پروژه ها، اثربخشی تخصیص
عدالت، شفافیت، پاسخگویی و سرمایه اجتماعی، همخوانی دارد

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. با توجه به ماهیت موضوع و نبود داده
پیمایشی در این مقاله، پژوهش بر تحلیل محتوای چارچوب نظری کتاب «مدیریت منابع مالی در شهرداری تهران»، تحلیل
فرآیند طرح «من شهردارم» و بررسی ادبیات علمی مرتبط با بودجه ریزی مشارکتی استوار است
واحد تحلیل، مفاهیم و سازوکارهای مرتبط با بودجه ریزی مشارکتی، تخصیص منابع، عدالت، شفافیت، پاسخگویی و
ارزیابی عملکرد در مدیریت شهری است. داده های پژوهش از طریق مطالعه اسناد و منابع علمی موجود گردآوری و با
رویکرد تحلیل محتوای کیفی و تطبیق مفهومی بررسی شده اند
در این روش، ابتدا مؤلفه های اصلی بودجه ریزی مشارکتی استخراج شده و سپس با فرآیند طرح «من شهردارم» تطبیق
داده شده اند. در مرحله بعد، الزامات تحقق عدالت و اثربخشی تخصیص منابع شناسایی و در نهایت چارچوب پیشنهادی برای
ارتقای فرآیند ارائه شده است
از آنجا که مقاله حاضر مطالعه پیمایشی یا تجربی آماری نیست، یافته های آن نباید به عنوان برآورد آماری اثر طرح تفسیر
شود؛ بلکه نتایج در قالب استنتاج تحلیلی و چارچوب پیشنهادی ارائه می شوند

یافته ها و تحلیل

انتقال اطلاعات محلی

یکی از مهمترین کارکردهای بودجه ریزی مشارکتی، انتقال اطلاعاتی است که ممکن است در ساختارهای رسمی تصمیم گیری به طور کامل در دسترس نباشد. شهروندان می توانند مسائل روزمره محله را شناسایی کنند و مدیریت شهری می تواند این اطلاعات را در کنار داده های تخصصی خود قرار دهد. بنابراین، مشارکت را نباید جایگزین کارشناسی دانست؛ بلکه می توان آن را منبع مکمل اطلاعات برای تصمیم گیری کارشناسی در نظر گرفت.

ترکیب رأی شهروندان و ارزیابی کارشناسی

یکی از نقاط مهم طراحی طرح، ایجاد تعادل میان اولویت شهروندان و امکان پذیری فنی و مالی پروژه هاست. فرآیند طرح باید میان دیدگاه شهروندان، ملاحظات کارشناسی و محدودیت های مالی تعادل ایجاد کند. از این منظر، رأی بیشتر یک پروژه نباید به تنهایی به معنای مناسب بودن آن برای اجرا باشد؛ بلکه می تواند یکی از ورودی های تصمیم گیری باشد که در کنار معیارهای کارشناسی، مالی و عدالت فضایی قرار می گیرد.

عدالت در مشارکت و عدالت در تخصیص

یکی از مهمترین مسائل نظری بودجه ریزی مشارکتی این است که عدالت در مشارکت الزاماً برابر با عدالت در نتیجه نیست. اگر مشارکت در یک منطقه بسیار بیشتر از منطقه دیگر باشد، صرفاً استفاده از تعداد رأی ها ممکن است باعث شود، اولویت های گروه های مشارکت کننده بیشتر دیده شود. بنابراین در تهران، مشارکت باید در کنار شاخص های نیاز، محرومیت کمبود خدمات و سایر شاخص های عدالت فضایی تحلیل شود.

چالش های اجرای بودجه ریزی مشارکتی

چالش های اصلی عبارت اند از مشارکت نامتوازن، محدودیت آگاهی، چالش های سازمانی، محدودیت منابع، غلبه منافع محلی و شکاف دیجیتال. این چالش ها نشان می دهند که مشارکت مؤثر نیازمند طراحی نهادی، اطلاع رسانی، ظرفیت اجرایی و دسترسی برابر است.

نظام پایش و ارزیابی

موفقیت بودجه ریزی مشارکتی نباید صرفاً با تعداد شرکت کنندگان یا تعداد رأی ها سنجیده شود. ارزیابی باید حداقل ابعاد مشارکت، کیفیت پروژه، تخصیص منابع، عدالت، شفافیت و پاسخگویی را دربرگیرد.

مدل پیشنهادی ارتقای طرح من شهردارم

بر اساس تحلیل انجام شده، مدل ارتقا یافته زیر پیشنهاد می شود

مرحله اول: شناسایی نیاز؛ جمع آوری اطلاعات از شهروندان، داده های رسمی و شاخص های اجتماعی و فضایی

مرحله دوم: غربالگری کارشناسی؛ بررسی فنی، حقوقی، مالی و اجرایی پیشنهادها

مرحله سوم: سنجش عدالت؛ تطبیق پروژه ها با شاخص هایی مانند محرومیت، کمبود سرانه، جمعیت و نیاز منطقه

مرحله چهارم: مشارکت و رأی گیری؛ ارائه پروژه های واجد شرایط به شهروندان و دریافت اولویت های آنان

مرحله پنجم: تخصیص منابع؛ ترکیب رأی شهروندان با معیار های عدالت، منابع موجود و ظرفیت اجرایی

مرحله ششم: اجرای پروژه؛ اجرای پروژه و ثبت اطلاعات مالی و پیشرفت

مرحله هفتم: شفافیت و گزارش عمومی؛ انتشار وضعیت پروژه، بودجه مصوب، هزینه انجام شده و میزان پیشرفت

مرحله هشتم: ارزیابی؛ ارزیابی نتیجه پروژه و انتقال یافته ها به چرخه بعدی بودجه ریزی

منطق این مدل آن است که مشارکت شهروندی، داده های رسمی، شاخص های عدالت، ارزیابی کارشناسی و محدودیت های مالی به صورت همزمان در فرآیند تصمیم گیری مورد استفاده قرار گیرند

بررسی چارچوب نظری و محتوای طرح نشان می دهد که ارزش اصلی بودجه ریزی مشارکتی را نباید صرفاً در افزایش تعداد مشارکت کنندگان جستجو کرد. اهمیت اصلی این رویکرد در ایجاد ارتباط میان دانش محلی شهروندان و فرآیند تصمیم گیری مالی است

در این چارچوب، شهروندان اطلاعات مربوط به نیاز های محلی را وارد فرآیند می کنند؛ کارشناسان امکان پذیری و هزینه را بررسی می کنند؛ فرآیند رأی گیری اولویت های عمومی را مشخص می کند و مدیریت شهری در نهایت باید این اولویت ها را با منابع موجود، عدالت فضایی و اهداف کلان شهر هماهنگ کند

این برداشت با ادبیات بین المللی نیز سازگار است. مطالعات نشان داده اند که بودجه ریزی مشارکتی می تواند دسترسی شهروندان به فرآیند تصمیم گیری را افزایش دهد، اما پیامدهای آن به نحوه طراحی فرآیند، فراگیری مشارکت و ظرفیت نهادی (و همکاران، 2023 Bartocci) وابسته است

از سوی دیگر، مطالعات تجربی نشان می دهند که مشارکت ممکن است الگوی هزینه کرد دولت محلی را تغییر دهد؛ اما جهت و نوع این تغییرات به زمینه نهادی و ترجیحات محلی وابسته است. برای مثال، مطالعه ای درباره شهرداری های کره جنوبی تغییری در ترکیب مخارج پس از اجرای بودجه ریزی مشارکتی گزارش کرده است

در زمینه عدالت نیز شواهد موجود از اهمیت طراحی فراگیر فرآیند حکایت دارند. مطالعه سئول نشان می دهد که طراحی در (Hsueh و No، 2022) نهادی مشارکت می تواند با جهت گیری منابع به سمت مناطق کم برخوردار ارتباط داشته باشد (Taylor) مقابل، ادبیات جدیدتر تأکید می کند که نتایج عدالت محور بودجه ریزی مشارکتی به زمینه و طراحی آن وابسته است (Afshan، 2025)

بنابراین، برای تهران نیز نمی توان صرفاً از اصل وجود مشارکت نتیجه گرفت که عدالت یا کارایی تخصیص منابع حتماً افزایش یافته است. آنچه اهمیت دارد، طراحی نهادی فرآیند، کیفیت اطلاعات، دسترسی برابر، معیار های تخصیص و نظام ارزیابی است

پیشنهادهای سیاستی و مدیریتی

1. ترکیب رأی شهروندان با شاخص های عدالت: رأی شهروندان باید یکی از ورودی های تخصیص منابع باشد و در کنار شاخص هایی مانند محرومیت، جمعیت، کمبود خدمات و ظرفیت اجرایی قرار گیرد
2. انتشار اطلاعات پروژه ها: اطلاعات مربوط به پروژه های پیشنهادی، دلایل تأیید یا رد، بودجه، پیشرفت و نتیجه باید تا حد امکان در دسترس عمومی باشد

۳. ایجاد داشبورد پایش پروژه ها: برای هر پروژه می توان اطلاعاتی مانند بودجه، پیشرفت فیزیکی، پیشرفت مالی.
 ۴. توجه به عدالت مشارکتی: شهرداری باید بررسی کند که آیا گروه ها و مناطق مختلف به شکل متوازن امکان مشارکت دارند یا خیر
 ۵. ارزیابی پس از اجرا: پروژه منتخب نباید با تخصیص بودجه پایان یافته تلقی شود؛ بلکه نتیجه واقعی آن باید پس از اجرا بررسی شود
 ۶. ایجاد چرخه یادگیری: نتایج ارزیابی یک دوره باید در طراحی دوره بعدی استفاده شود.
 ۷. تفکیک پروژه های محلی از اهداف کلان: سازوکار طرح باید به گونه ای باشد که اولویت های محلی در کنار اهداف کلان شهر قرار گیرند و میان این دو سطح تعادل برقرار شود
- نتیجه گیری

بودجه ریزی مشارکتی می تواند به عنوان یکی از سازوکارهای پیونددهنده شهروندان و مدیریت مالی شهری مورد استفاده قرار گیرد. در این رویکرد، شهروندان بخشی از اطلاعات مربوط به نیازهای محلی و اولویت های هزینه ای را وارد فرآیند تصمیم گیری می کنند و مدیریت شهری می تواند این اطلاعات را در کنار ملاحظات کارشناسی، مالی و فضایی مورد استفاده قرار دهد

طرح «من شهردارم» در شهرداری تهران از این منظر نمونه ای از تلاش برای توسعه مشارکت شهروندان در چرخه تصمیم گیری شهری است. ساختار طرح از شناسایی نیازها و دریافت پیشنهادها تا رأی گیری، تخصیص منابع، اجرا و ارزیابی امتداد می یابد

تحلیل انجام شده نشان می دهد که اثر بخشی این رویکرد به خود مشارکت محدود نمی شود. چهار عامل اساسی در این میان اهمیت دارند: کیفیت مشارکت، شفافیت فرآیند، عدالت در تخصیص و ظرفیت اجرایی و ارزیابی مدیریت شهری

از سوی دیگر، عدالت در بودجه ریزی مشارکتی را نباید صرفاً با تعداد رأی یا میزان مشارکت سنجید. عدالت نیازمند توجه به تفاوت نیاز مناطق و گروه های اجتماعی است. پژوهش های بین المللی نیز نشان می دهند که طراحی فراگیر فرآیند می تواند بر توزیع منابع اثرگذار باشد، اما نتایج در زمینه های مختلف یکسان نیست و به طراحی نهادی و شرایط محلی وابسته است

بر این اساس، پیشنهاد اصلی مقاله آن است که طرح «من شهردارم» از یک سازوکار صرفاً مشارکتی به یک چرخه، یکپارچه مشارکت، تخصیص، اجرا، شفافیت و ارزیابی تبدیل شود. در این مدل، مشارکت شهروندان، داده های رسمی شاخص های عدالت، ارزیابی کارشناسی و محدودیت های مالی در کنار یکدیگر قرار می گیرند

در نهایت، ظرفیت اصلی بودجه ریزی مشارکتی در مدیریت شهری، ایجاد یک سازوکار منظم برای انتقال اطلاعات و اولویت های شهروندان به نظام تصمیم گیری مالی است. تحقق این ظرفیت، مستلزم آن است که مشارکت از مرحله دریافت پیشنهاد فراتر رود و در کل چرخه سیاست گذاری و مدیریت منابع، از شناسایی مسئله تا ارزیابی نتیجه، استمرار داشته باشد

منابع

منابع فارسی

آقای، م. (۱۳۹۹). مدیریت مالی عمومی. تهران: انتشارات سمت

منابع انگلیسی

- Bartocci, L., Grossi, G., Mauro, S. G., & Ebdon, C. (2023). The journey of participatory budgeting: A systematic literature review and future research directions. *International Review of Administrative Sciences*, 89(3).
- Kuenneke, A., & Scutelnicu, G. (2021). How successful is participatory budgeting in promoting social equity? Evidence from New York City. *Public Administration Quarterly*, 45(4).
- No, W., & Hsueh, L. (2022). How a participatory process with inclusive structural design allocates resources toward poor neighborhoods: The case of participatory budgeting in Seoul, South Korea. *International Review of Administrative Sciences*, 88(3).
- Taylor, C. R., & Afshan, S. (2025). Participatory budgeting for social equity: A comparative analysis. *Public Administration*, 103(4), 1004–1021.
- Waddington, H., et al. (2019). Citizen engagement in public services in low- and middle-income countries: A mixed-methods systematic review of participation, inclusion, transparency and accountability initiatives. *Campbell Systematic Reviews*.

جدول 1. ابعاد پیشنهادی ارزیابی بودجه ریزی مشارکتی در طرح من شهردارم

شاخص های پیشنهادی	بعد ارزیابی
دسترسی، ارائه پیشنهاد، اولویت بندی، رأی گیری، نظارت	مشارکت
انطباق با نیاز، کیفیت اجرا، میزان تحقق	کیفیت پروژه
تناسب هزینه و نتیجه، ظرفیت اجرایی	تخصیص منابع
توزیع منابع نسبت به نیاز و شرایط مناطق	عدالت
دسترسی به اطلاعات و گزارش عملکرد	شفافیت
قابلیت پیگیری و توضیح درباره نتایج	پاسخگویی